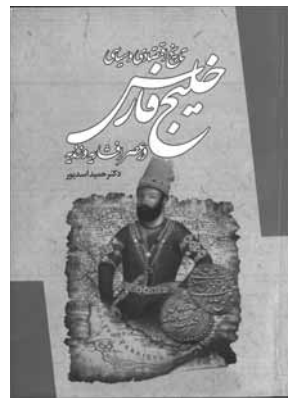


خلیج فارس در عهد افشار و زند

● سارا ناطقیان فر

کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس، دانشگاه تهران



■ تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه

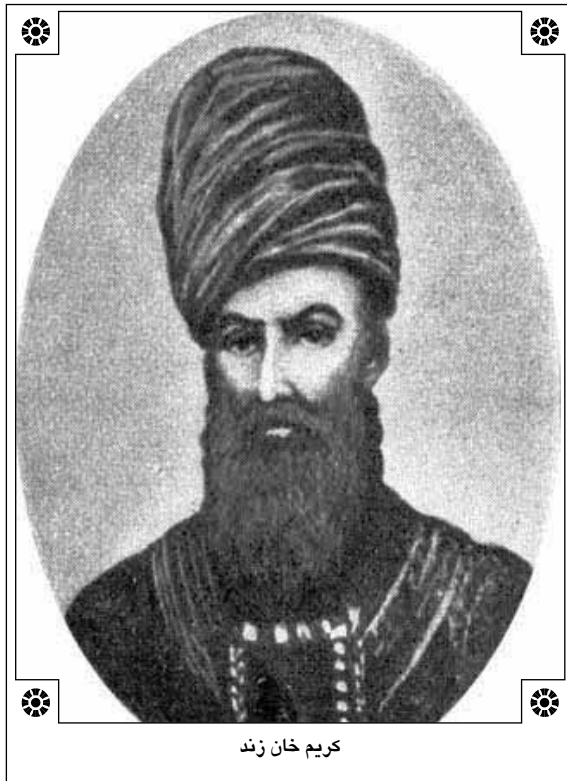
■ نویسنده: حمید اسدیپور

■ ناشر: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی؛ چاپ اول: ۱۳۸۷؛

تعداد صفحات: ۴۲۰

خلیج فارس به عنوان شاه‌رگ اصلی تجارت ایران با درآمدهای اقتصادی حاصل از آن در طول تاریخ نقش کلیدی در رونق بازار معیشتی ایران و کشورهای حاشیه داشته است. هرگونه تحولی بر اثر عوامل بیرونی و درونی طبعاً بر وضعیت اقتصادی این منطقه نیز تأثیرگذار بوده است. درخصوص ویژگی‌ها و اهمیت استراتژیکی این منطقه در تاریخ ایران تاکنون تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است، که از آن میان می‌توان به کتاب تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه تألیف دکتر حمید اسدیپور اشاره نمود، که برای درک هرچه بیشتر زوایای تاریک از تاریخ این دوره زمانی سودمند است. مؤلف کتاب، استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس در بوشهر است. وی در سال ۱۳۴۳ در شبانکاره دشتستان متولد شد. در ۱۳۶۴ در رشته تاریخ دانشگاه تهران پذیرفته شد و در ۱۳۶۹ به اخذ درجه کارشناسی ارشد نائل آمد. از سال ۱۳۷۲ به خدمت دانشگاه خلیج فارس درآمد و در ۱۳۷۵ به ریاست آن دانشگاه رسید. در سال ۱۳۸۲ به اخذ درجه دکترا در تاریخ از دانشگاه شهید بهشتی موفق گردید. کتاب مذکور رساله دکترای وی پیرامون تاریخ خلیج فارس بود که در سال ۱۳۸۷ به صورت کتابی تحت عنوان تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در دوره افشاریه و زندیه در ۴۲۰ صفحه در انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی به چاپ رسید.

این کتاب شامل یک پیش‌گفتار و مقدمه و پنج بخش است، که هر بخش به دو تا چهار فصل منقسم شده است. ابتدا در پیش‌گفتار نویسنده به اهمیت موقعیت خلیج فارس در طول تاریخ پرداخته و سپس از ضعف منابع و مأخذ درباب این آبراهه مهم و حساس در تاریخ کشورمان شکایت کرده است. این ضعف و فقر منابع نویسنده را به این باور رسانده است که در کشور ما می‌بایست نهضتی تحت عنوان خلیج فارس‌شناسی پژوهی شکل بگیرد، سپس با ذکر نوع رویکرد خود به مسائل خلیج فارس کتاب خود را در قالب یک اثر تاریخی پیرامون بازرگانی و سیاست ایران در خلیج فارس در دوران مهم تاریخی در کشورمان یعنی دوره افشاریه و زندیه بیان می‌دارد. بعد از این پیش‌گفتار کوتاه و مختصر، نویسنده در مقدمه‌ای جداگانه به اهمیت و حساسیت مسئله بازرگانی در جامعه ایران پرداخته و با توجه به قرار گرفتن ایران در میان دو آبراهه طبیعی در شمال و جنوب، موقعیت خوب ایران را از نقطه نظر بازرگانی به تصویر کشیده است. نویسنده در این مقدمه، نقاط عطف اساسی در تاریخ ایران را در پیوند مستقیم با وضعیت



کریم خان زند

تجاری و بازرگانی خلیج فارس می‌داند و با تحلیل ساختار سیاسی و نوع رویکرد و نگاه سیاسی حاکمان افشاری و زندیه در پی آن است که دریابد در این شرایط، آن‌ها تا چه اندازه و چه سهمی از توجه خود را به مسائل خاص خلیج فارس اختصاص داده‌اند. بنابر اعتقاد نویسنده، گفتمان حاکم بر ذهن حاکمان ایرانی، حداقل بعد از دوره مغول، همواره توجه به ثروت موجود در جنوب ایران بود. از نظر وی نادر شاه افشار و خان زند نیز سیاست‌های خاص خود را در جهت توجه به خلیج فارس و تقویت تجارت در آن منطقه داشتند و این از اصلی‌ترین فرضیات محوری نگارنده کتاب است. آنچنان که خود نویسنده نیز اشاره دارد، نقش جنوب ایران به انضمام خلیج فارس در ساختار سیاسی، اقتصادی کشور و عوامل دخیل در آن از جمله موضوعات و مباحث اساسی در کتاب است، ضمن آن که پیشینه تاریخی سیاسی اقتصادی خلیج فارس نیز تا سقوط صفویان مورد بررسی قرار گرفته است. در این کتاب پیامدهای سوء قتل نادرشاه و پدیدار شدن کانون‌های ثروت و قدرت تجاری در کرانه‌های خلیج فارس و شکل‌گیری موج مهاجرت اعراب قواسم به سواحل شمالی خلیج فارس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که این مباحث در فهم زمینه‌های شکل‌گیری تیره‌های عرب مهاجر و افول موقعیت تجاری خلیج فارس به دلیل فقدان حکومت مرکزی در ایران حائز اهمیت است. نویسنده سپس نیم‌نگاهی به اوضاع سیاسی زندیه و سیاست‌های خان زند در امور اقتصادی در خلیج فارس داشته است و بعد از آن پیامدهای سقوط زندیه را بر تجارت ایران در خلیج فارس و خارج شدن بنادر ایران از کانون‌های اقتصادی خلیج فارس مورد ارزیابی قرار داده است. یکی از اساسی‌ترین و در عین حال پراهمیت‌ترین مسائلی که در این پژوهش یافت می‌شود، توجه نویسنده به نقش بازرگانان و گروه‌های تجاری بیگانه در ایران و خلیج فارس است. همچنین پرداختن به نقش نیروها و حاکمان محلی نیز در پیوند با مسائل تجاری - سیاسی خلیج فارس از دیگر محورهای اساسی کتاب مذکور است. بخش اول این کتاب، درباب سیاست‌های صفویان در خلیج فارس است که به دو فصل منقسم گردیده است. مؤلف در فصل اول تحت عنوان اوضاع سیاسی و اجتماعی خلیج فارس در روزگار صفویه، ابتدا به بررسی کلی درباب به قدرت رسیدن صفویان و نوع رویکرد مذهبی این دولت می‌پردازد و سپس اقدامات پادشاهان صفوی درباب خلیج فارس و سیاست‌های خاص آن‌ها در ارتباط با قدرت‌های بیگانه را به صورت مختصر بیان می‌دارد. از آنجاکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی خلیج فارس در دوره صفویه، حضور پرتغالی‌ها و اشغال جزایر هرموز و بحرین و تجاوز به کرانه‌های عمان بود، سعی نویسنده برآن است تا در این فصل به تحلیل نقش و عملکرد قدرت‌های اروپایی مانند پرتغال، هلند، انگلستان و تمایل روس‌ها به دستیابی به خلیج فارس بپردازد. مؤلف در این فصل تنها به ذکر اوضاع سیاسی خلیج فارس در دوره صفویان پرداخته و شناساندن وضعیت تجاری و بازرگانی در این حدود را موقوف به درآمدی کوتاه در ابتدای فصل دوم نموده است. مهم‌ترین ویژگی وضعیت تجاری خلیج فارس در دورانی که ایران صفوی با رویکرد تشیع، ترکان عثمانی با رویکرد تسنن و ادعای خلافت اسلامی و پرتغال مسیحی با رویکرد تبلیغ دین مسیحیت در منطقه خلیج فارس ظاهر شده بودند، خارج شدن امور تجاری از دست عناصر بومی و علاوه برآن تجارت آزاد در خلیج فارس، جای خود را به تجارت انحصاری داد. ذکر اقلام و کالاهای مهم وارداتی و صادراتی در سواحل

خلیج فارس از سوی نویسنده در انتهای فصول و جدول‌بندی کردن این اقلام در کشورهای حاشیه خلیج فارس بر اهمیت کتاب افزوده است. در پایان این فصل، نویسنده به عوامل فروپاشی صفویه و آثار و پیامدهای آن بر بازرگانی ایران در خلیج فارس پرداخته است. این فصل به لحاظ این که ذهن خواننده آماده می‌شود که پیش‌زمینه‌ای از اوضاع سیاسی - تجاری منطقه خلیج فارس در دوران پیش از افشار و زند داشته باشد، بسیار سودمند است. بخش دوم تحت عنوان ایران و خلیج فارس در دوران افشاریه است. این بخش نیز به سه فصل اصلی تقسیم شده است که عبارتند از: فصل اول اوضاع سیاسی ایران در عصر افشاریه، فصل دوم بازرگانی و دریانوردی تجاری خلیج فارس در عهد افشاریه، فصل سوم قتل نادر شاه افشار، آغاز دوره تمرکززدایی و اثرات آن بر تجارت و دریانوردی ایران.

در ابتدای این بخش، با این که عنوان بخش دوم ذکر شده و به سه فصل اصلی تقسیم گردیده است، مؤلف به خطا نوشته است:

«بخش سوم از رساله حاضر درواقع یکی از بخش‌های محوری این پژوهش به شمار می‌رود که خود دارای شش فصل خواهد بود...»
که در حقیقت این نوع از گفتار با فهرست مطالب کتاب در تناقض جدی است.

در این بخش باز هم نویسنده نیم‌نگاهی به میراث صفویه و تحولاتی که از حکومت صفویان به دوره افشاریه منتقل گردید، انداخته است. همچنین ضعف سیاسی و ساختار حکومتی صفویان مورد بازبینی و واکاوی نویسنده قرار گرفته است و سپس با ذکر اصل و نسب خاندان افشاریه و چگونگی به قدرت رسیدن نادر شاه به تفصیل به نقد مطالب موجود در منابع گوناگون در این خصوص پرداخته است.

بنابر اعتقاد نویسنده، گفتمان حاکم بر ذهن حاکمان ایرانی، حداقل بعد از دوره مغول، همواره توجه به ثروت موجود در جنوب ایران بود. از نظر وی نادر شاه افشار و خان زند نیز سیاست‌های خاص خود را در جهت توجه به خلیج فارس و تقویت تجارت در آن منطقه داشتند

و کالاهای صادراتی و وارداتی ایران از طریق خلیج فارس در دوره افشاریه پرداخته است.

مؤلف در فصل سوم این بخش با عنوان قتل نادرشاه افشار، آغاز دوره تمرکززدایی و اثرات آن بر تجارت و دریانوردی ایران در خلیج فارس نویسنده به ریشه‌های گسست و افول تجارت و بازرگانی در خلیج فارس بعد از مرگ نادرشاه پرداخته است. ابتدا به ترسیم چگونگی به قتل رسیدن نادر در منابع گوناگون، پدیدار شدن واحدهای سیاسی جداگانه در سواحل خلیج فارس پرداخته است و سپس به بررسی مهاجرت اقوام و قبایل گوناگون به کرانه‌های خلیج فارس، انتقال محور و کانون‌های فعال تجارت از کرانه‌های ایران در خلیج فارس به محور بصره و مسقط و افت و افول تجارت در بنادر ایران، سوء استفاده قدرت‌های بیگانه از منطقه از مرگ نادر و تصرف و کنترل جزایر ایرانی از سوی آن‌ها می‌پردازد.

بخش سوم تحت عنوان اوضاع سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوران زندیه نام دارد، که به سه فصل منقسم گردیده است. ۱) زمینه‌های ظهور کریم خان زند و تشکیل دولت زند در ایران و اوضاع سیاسی خلیج فارس در دوران حکومت کریم خان زند؛ ۲) تجارت خلیج فارس در دوران زندیه و جایگاه ایران در آن؛ ۳) مرگ کریم خان و اثرات آن بر تجارت ایران در خلیج فارس.

در فصل اول نویسنده به زمینه‌های ظهور کریم خان و تشکیل دولت زندیه در ایران می‌پردازد و از این جهت که ابتدا به ترسیم کامل اوضاع سیاسی حکومت زند و افشاریه پرداخته و سپس موقعیت تجاری آن را مورد واکاوی قرار داده است، نظم خاصی به کتاب داده است.

بعد از آن مؤلف به اوضاع سیاسی خلیج فارس در دوران کریم خان زند می‌پردازد. در دوران اقامت سیزده ساله کریم خان در شیراز، دورانی از بی‌توجهی به مسائل خلیج فارس شکل گرفت. نویسنده معتقد است که برخلاف نادر که خود را آگاهانه درگیر مسائل خاص خلیج فارس نمود، کریم خان ناگزیر به مداخله در امور خلیج فارس شد و مسائل خاص خلیج فارس و شط‌العرب تا تنگه هرموز به طور عملی خواسته یا ناخواسته وی را به سوی خلیج فارس کشانید. نویسنده دلایل توجه کریم خان را به منطقه خلیج فارس را چنین ذکر می‌نماید: ۱- سرکوبی قبایل بنی‌کعب در خوزستان؛ ۲- حضور قبایل مستقل و نیمه‌مستقل عرب در خلیج فارس و ایجاد امنیت در آنجا؛ ۳- ظهور میرمهنا و کنترل شرکت‌های تجاری خارجی در خلیج فارس؛ ۴- ظهور حکومت‌های محلی جدید در کرانه‌های خلیج فارس.

در این فصل نیز همانند فصول گذشته نویسنده از منابع دست اول و

در پی سقوط صفویان تا به قدرت رسیدن نادر شاه، با توجه به تحولاتی که در ایران اتفاق افتاد، خلیج فارس نیز دورانی از آشفتگی سیاسی و اقتصادی خود را تجربه می‌کرد، دورانی که در آن تسلط روزافزون کمپانی هند شرقی هلند و انگلیس بر بنادر و جزایر خلیج فارس، ایجاد ناامنی دریایی و تفوق تجاری بصره نسبت به بنادر ایرانی خلیج فارس کمترین نتیجه این ناثباتی بود. اما رکود بازرگانی و تجاری در خلیج فارس با ظهور نادرشاه به پایان رسید و او با توجه ویژه‌ای که به این منطقه نشان داد، موفق شد حاکمیت ایران را بر این مناطق دوباره برقرار سازد. فصل دوم این بخش تحت عنوان بازرگانی و دریانوردی تجاری خلیج فارس در عهد افشاریه دو قسمت را شامل می‌شود. در قسمت اول ابتدا اوضاع سیاسی خلیج فارس در دوره نادر شاه و در قسمت دیگر همین اوضاع در دوره جانشینان نادرشاه مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از پیامدهای منفی سقوط صفویان، که نادر با آن روبه رو شده بود، انتقال مراکز و کانون‌های تجاری و دریانوردی خلیج فارس از کرانه‌های شمالی به سواحل جنوبی بود. همچنین بسط قدرت اعراب مسقط موجب ضعف و زوال منابع اقتصادی و تجاری ایران در خلیج فارس را فراهم آورده بود که این وضعیت از بزرگ‌ترین مشکلات پیش روی نادر در عرصه خلیج فارس شده بود. مؤلف اقدامات نادر را در برطرف کردن این مشکلات و اعاده حاکمیت سیاسی - نظامی ایران در این منطقه این گونه برمی‌شمرد: ۱- برگزیدن بندر بوشهر یا بندر نادریه به عنوان مرکز مهم دریانوردی؛ ۲- پایه‌ریزی ناوگان دریای ایران در شمال و جنوب کشور؛ ۳- ایجاد ارتباط با کمپانی‌های تجاری بیگانه و گرفتن امتیاز از آن‌ها (نظیر خرید کشتی از آنان)؛ ۴- توجه نادر به تجارت آزاد در خلیج فارس و جلوگیری از انواع انحصار تجارت برای خود یا خانواده سلطنتی؛ ۵- جلوگیری از خروج پول و مسکوک توسط کمپانی‌های خارجی؛ ۶- گسترش مراکز تجاری و بندری در خلیج فارس؛ ۷- ایجاد «اردویازار» برای تأمین مایحتاج ارتش نادری به هنگام جنگ.

در این فصل مؤلف بیشتر به ذکر اقدامات مثبت و ارزنده نادر در خصوص توجه به خلیج فارس پرداخته است و به نقاط ضعف سیاست‌های اجرایی او در این منطقه کمتر اشاره نموده است.

مؤلف در بعضی از ارجاعات نام نویسنده اثری را که از آن استفاده نموده است، ابتدا ذکر کرده است و سپس نام خانوادگی او را و در ارجاع بعدی عکس آن را آورده است که شاید بهتر بود این گونه ارجاعات را به درستی و یک‌دست ذکر می‌نمود. در پایان این فصل، نویسنده به ذکر انواع اقلام

سعی نویسنده بر آن است تا به تحلیل نقش و عملکرد قدرت‌های اروپایی مانند پرتغال، هلند، انگلستان و تمایل روس‌ها به دستیابی به خلیج فارس بپردازد

خلیج فارس

مؤلف قرار گرفته است. همچنین آغاز فعالیت‌های این کمپانی در خلیج فارس تا خروج آن‌ها به صورت کامل از این منطقه، تأسیس نمایندگی‌ها در سراسر بنادر ایران از سوی آن‌ها و در نهایت اشغال جزایر ایرانی از سوی آن‌ها و تهدید نظامی ایران و بالاخره اخراج آن‌ها از سوی میرمهنا و پایان حیات سیاسی - اقتصادی آنان به دقت مورد مطالعه نگارنده قرار گرفته است.

در فصل چهارم به صورت کوتاه و مختصر پیشینه حضور کمرنگ و کم‌اثر بازرگانان و شرکت هند شرقی فرانسه در خلیج فارس، رقابت بین فرانسه و انگلیس بر سر منافع خلیج فارس را بررسی کرده است.

در بخش پنجم کتاب، مؤلف به دقت وضعیت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی حکام محلی کرانه‌های خلیج فارس و نقش آن‌ها را در تجارت خلیج فارس، زمینه‌های شکل‌گیری و ریشه‌های آن‌ها در حدفاصل قتل نادر تا ظهور کریم خان، تشویق شرکت‌های تجاری بیگانه از فعالیت‌های حکام محلی به جهت تضعیف قدرت حکومت مرکزی، چگونگی سیاست نادر و کریم خان با حکام محلی، ویژگی‌ها و مشخصات عمومی قدرت‌های کوچک محلی است، سپس در فصول بعدی به نقش و عملکرد هر یک از این قدرت‌های محلی بزرگ در کرانه‌های خلیج فارس پرداخته است. مثلاً در فصل دوم به بررسی شخصیت ملاعلی شاه و نقش او از زمان نادر و زندگانی او بعد از قتل نادر به بحث و مذاقه گذاشته شده است. در فصل سوم این بخش، مؤلف به طور کلی آن چنان که خود نیز به آن اشاره دارد، به سیاست‌ها، اقدامات و ماهیت حکام محلی بندر بوشهر از قتل نادر شاه تا انقراض سلسله صفویه می‌پردازد. همچنین به نقش اقتصادی تجاری که این حکام محلی در منطقه خلیج فارس ایفاء نموده بودند و روابط بازرگانی که با کمپانی‌های خارجی برقرار نموده بودند، پرداخته شده است.

ذکر دوران شکوفایی بنادر ایرانی خلیج فارس در دوران افشاریه و زندیه و نقشی که این حکام محلی در رابطه با آن بازی می‌کردند. یکی دیگر از مباحثی است که در این فصل مورد توجه نویسنده قرار داشته است این فصل به لحاظ شناخت این نیروهای محلی و میزان کم و کیف نقش آنان در صحنه اقتصادی سیاسی خلیج فارس بسیار سودمند است.

مؤلف در انتها به ارزیابی نهایی خود در خصوص مطالب مندرج در کتاب مذکور می‌پردازد و به صورت نکته‌ای، نکات مهم و نتایج پژوهش خود را از لابلای مطالب مندرج استخراج می‌نماید.

در انتها نیز مؤلف به ذکر منابع و مأخذی که در میان فصول کتاب استفاده کرده، می‌پردازد و همچنین فهرستی از نمایه مکان و کسان را ارائه می‌دهد.

متنوعی استفاده نموده است. در بعضی از موارد توضیحاتی که نویسنده در باب اصل و نسب قبایل در اختیار خواننده قرار می‌دهد، سودمند است ولی شاید بهتر بود که این گونه تفصیلات در پانویس می‌آمد تا نظم موجود در متن حفظ می‌گردد.

نویسنده در فصل دوم این بخش تحت عنوان تجارت خلیج فارس در دوران زندیه و جایگاه ایران در آن تنها به تحلیل زوایای تجاری خلیج فارس در دوره زندیه پرداخته است. ابتدا نویسنده به تحلیل و دلایل افول وضعیت تجاری بنادر خلیج فارس بعد از قتل نادر شاه، تبیین موج مهاجرت‌ها از بنادر ایران در اثر ناامنی و قدرت گرفتن بنادر جنوبی خلیج فارس نظیر کویت و بصره پرداخته و به تدریج با به قدرت گرفتن کریم خان و پیروز شدن وی بر رقبا تغییر وضعیت رکود بنادر ایران را به رشد و شکوفایی نشان داده است. این دوران در تغییر چرخش سیاست بریتانیا در خلیج فارس دوره انتقال به عصر استعمار نام دارد. مهم‌ترین دلیل این چرخش سیاسی از سوی دولت انگلیس، در واقع انتقال دفتر نمایندگی از بندر عباس به بصره بود. بررسی قراردادهای منعقد شده بین کریم خان و انگلیسی‌ها و دلایل لغو آن از سوی کریم خان و در آخر مقایسه فهرست کالاهای صادراتی و وارداتی ایران با کشورهای همسایه در دوره زندیه به سودمندی مطالب کتاب در این فصل افزوده است. در فصل سوم نویسنده به بررسی تحولات بعد از مرگ کریم خان و تأثیرات آن در تجارت ایران در خلیج فارس می‌پردازد. رشد و گسترش مسقط و کویت در برابر بنادر ایران بعد از مرگ کریم خان، تثبیت و رشد قدرت استعماری انگلیس در ایران و قدرت‌گیری سران محلی در خلیج فارس از اهم حوادثی بود که بعد از مرگ کریم خان در ایران رخ داد. در بخش چهارم تحت عنوان شرکت‌های تجاری و بازرگانی در خلیج فارس در دوران افشاریه و زندیه، نویسنده در فصل اول به پیشینه حضور بازرگانان و شرکت‌های تجاری اروپایی در خلیج فارس می‌پردازد و چنانچه خود نیز به آن اشاره دارد، به تأثیر حضور آنان در تجارت، سیاست، فرهنگ و شرایط اجتماعی منطقه و مناسبات خاص آنان با حکومت‌های افشاریه و زندیه مورد توجه می‌کند.

با توجه به تثبیت قدرت هرچه بیشتر انگلیسی‌ها بعد از سقوط صفویه در خلیج فارس، در فصل دوم مؤلف به صورت مطلق به بررسی حضور بازرگانان و شرکت هند شرقی انگلیس در خلیج فارس می‌پردازد و در مقایسه نقش، فعالیت‌ها و سیاست‌های آنان در دوره افشاریه و زندیه می‌کوشد. ذکر نقاط عطف روابط انگلیسی‌ها با ایرانیان در خلیج فارس و فراز و نشیب موجود در روابط دو کشور، بر اهمیت این فصل افزوده است. در فصل سوم نیز پیشینه حضور بازرگانان و شرکت هند شرقی هلند در خلیج فارس مورد بررسی